

غدیر به روایت اهل بیت علیهم السلام

ابوالعبّاس عبدالله بن جعفر حمیری- از بزرگان قرن سوم- از سندی بن محمد این گونه نقل می کند:



ابوالعبّاس عبدالله بن جعفر حمیری- از بزرگان قرن سوم- از سندی بن محمد این گونه نقل می کند:
صفوان جمال می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که این آیه در ولایت علی علیه السلام نازل شد رسول خدا صلی الله علیه و آله به جارو کردن زیر درختان موجود در آن منطقه اشاره کرد و اصحاب نیز خس و خاشاک زیر درختان را جارو کردند و سایبانی را برای آن حضرت برپا نمودند. آن گاه ندای نماز جماعت سر داده شد و پس از آن، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ایها الناس! من کنت مولاه فعلی مولاه، ألسنت أولى بکم من أنفُسکم؟

ای مردم! هر کس من مولای او هستم، علی مولای اوست، آیا من از شما به خودتان سزاوارتر نیستم؟ گفتند: بله.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

من کنت مولاه فعلی مولاه. ربّ! وال من والاه، و عاد من عاداه؛

هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست. پروردگارا! دوستداران او را دوست و دشمنانش را دشمن بدار. آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد مردم با حضرت علی علیه السلام بیعت کنند و مردم نیز با آن حضرت بیعت کردند تا جایی که همه می آمدند و با آن حضرت بیعت می نمودند و هیچ کدام سخنی نمی گفت... (1)

ابونضر محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی، از بزرگان قرن سوم نیز این حدیث را از صفوان از امام صادق علیه السلام نقل کرده است. (2)

نول د جحفه عیاشی رحمه الله از حنّان بن سدید، از پدرش این گونه نقل می کند: سدید می گوید: امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

هنگامی که جبرئیل در حجّة الوداع برای اعلان امر (ولایت) علی بن ابی طالب علیهما السلام بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرود آمد، این آیه نازل شد:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...)؛ (3)

ای پیامبر! آن چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است، به طور کامل (به مردم) برسان...

پیامبر صلی الله علیه و آله سه روز صبر کرد تا آن که به جحفه رسید و تا آن روز از ترس مردم، دست علی علیه السلام را بالا نبرده بود، اما هنگامی که در روز غدیر در یکی از اماکن جحفه به نام <مهیعه> فرود آمد، ندای نماز جماعت سر داد.

مردم جمع شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

من أولى بکم من أنفُسکم؛

چه کسی از شما به خودتان سزاوارتر است؟

مردم با صدای بلند گفتند: خدا و رسولش.

پیامبر صلی الله علیه و آله دوباره همین جمله را تکرار کرد.

مردم گفتند: خدا و رسولش.

پیامبر صلی الله علیه و آله برای بار سوم همین جمله را تکرار کرد.

مردم گفتند: خدا و رسولش.

آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله دست حضرت علی علیه السلام را گرفت و فرمود:

من کنت مولاه فعلی مولاه، اللهمّ وال من والاه، و عاد من عاداه، وانصر من نصره، واخذل من خذله؛ فإنّهُ منّي و أنا منه. و هو منّي به منزله هارون من موسی إلاّ أنّه لا نبی بعدی؛ (4)

هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست، خدایا! دوستداران او را دوست و دشمنانش را دشمن دار. هر که او را یاری کند یاریش کن و هر که او را تنها گذارد، تنهایش گذار؛ زیرا او از من است و من از او و او برای من همانند هارون برای موسی است مگر این که بعد از من هیچ پیامبری نخواهد بود.

شگفتا! مصائب علی علیه السلام عیاشی رحمه الله حدیث دیگری را از عمر بن یزید نقل می کند. وی می گوید: امام صادق علیه السلام سر سخن را باز کرد و فرمود:

ای اباحفص! شگفتا از مصائب علی بن ابی طالب علیهما السلام که ده هزار شاهد داشت، اما نتوانست حق خود را بگیرد و حال آن که دو شاهد برای گرفتن حق، کافی است.

با، ی گ علیه، علیه السلام در این زمینه شیخ ابوعمرو و محمد بن عمر بن عبدالعزیز کنشی از بزرگان علمای شیعه در قرن چهارم، چنین نقل می کند:

جبرئیل بن احمد، از موسی بن معاویه بن وهب، از علی بن سعید، از عبدالله بن عبدالله واسطی، از واصل بن سلیمان، روایت می کند که عبدالله بن سنان می گوید: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که زید بن صوحان رحمه الله در جنگ جمل بر زمین افتاد، امیر مؤمنان علی علیه السلام بر بالینش حاضر شد و فرمود:

رحمک الله یا زید! لقد کنت خفیف المؤمنة عظیم المعونة؛

ای زید! خدا تو را رحمت کند که کم هزینه و بسیار یاری گر بودی.

زید سرش را بالا آورد و گفت: ای امیر مؤمنان! خداوند تو را نیز جزای خیر دهد. به خدا سوگند، فقط تو را عالم به خدا دیدم و در قرآن، بلند مرتبه و حکیم یافتم. به راستی که خداوند در قلب تو جایگاه والایی دارد.

به خدا سوگند، از روی جهالت در کنار تو نچنگیدم؛ بلکه از امر سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود:

من کنت مولاہ فعلی مولاہ، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه، وانصر من نصره، واخذل من خذله؛

هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست. خدایا! دوستداران او را دوست و دشمنانش را دشمن بدار، هر که او را یاری کند، یاریش کن و هر که او را تنها گذارد، تنهایش گذار.

سوگند به خدا، به همین خاطر است که کراحت داشتم تو را تنها گذارم؛ چرا که در این صورت، خداوند مرا تنها می گذاشت. (10)

عذر م گهشه ای از سخنان پیامبر

شیخ ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه ملقب به صدوق، در گذشته سال 381 هجری حدیث غدیر را با چند سند نقل می کند:

ابن ولید، از صفار، از ابن ابی الخطاب و ابن یزید از ابن ابی عمیر؛ و نیز پدرم از علی، از پدرش، از ابن ابی عمیر؛

هم چنین ابن مسرور از ابن عامر، از عمرویش، از ابن ابی عمیر؛

و نیز ابن متوکل، از سعدآبادی، از برقی، از پدرش، از ابن ابی عمیر؛ از عبدالله بن سنان، از معروف بن خربوذ، از ابوطفیل عامر بن وائل، از حذیفه بن اسید غفاری چنین نقل کرده اند:

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله از حجة الوداع بازگشت- ما نیز همراه ایشان بودیم- تا جحفه به حرکت خود ادامه داد و در این منطقه، دستور توقف صادر نمود. مردم در جایگاه خود فرود آمدند و آن گاه ندای اذان بلند شد. در این هنگام، رسول خدا صلی الله علیه و آله به همراه اصحاب خود دو رکعت نماز جماعت گزارد و آن گاه به آن ها رو کرد و فرمود:

إنه قد نبأنی اللطیف الخبیر انی میت و انکم میتون، وکأنی قد دعیت فأجبت، و انی مسؤول عما أرسلت به إلیکم و عما خلفت فیکم من کتاب الله و حجه، و انکم مسؤولون، فما أنتم قائلون لرَبِّکم؟

خداوند مهربان و آگاه به من خبر داده است که من و شما همه خواهیم مُرد؛ گویی از سوی پروردگار دعوت شده ام بنابراین، دعوت وی را اجابت می کنم. من مسئول رسالت الهی و کتاب خدا و حجت وی هستم که در میان شما باقی گذارده ام. شما نیز مسئول هستید؛ حال به پروردگار خود چه خواهید گفت؟

گفتند: خواهیم گفت که تو رسالت الهی را ابلاغ کردی، خیرخواهی نمودی و مجاهدت کردی، خداوند برای هدایت ما، به تو بهترین پاداش را عنایت کند.

آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان فرمود:

ألستم تشهدون أن لا إله إلا الله و أنى رسول الله إلیکم، و أن الجنة حقّ و أن النار حقّ، و أن البعث بعد الموت حقّ؟

آیا شهادت می دهید که هیچ معبودی جز خدا نیست و من فرستاده ی خدا به سوی شما هستم؟ آیا شهادت می دهید که بهشت، دوزخ و حیات دوباره پس از مرگ، حق است؟

گفتند: آری، شهادت می دهیم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خدایا! بر سخنان این مردم، شاهد باش!

هان! شما را به شهادت می گیرم که من گواهی می دهم که خدا مولای من است؛ من مولای همه ی مسلمانان هستم و از مؤمنان به خودشان سزاوارترم؛ حال آیا به این امر اقرار می کنید و شهادت مرا می پذیرید؟

گفتند: آری، شهادت تو مورد قبول ماست.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

ألا من کنت مولاہ، فإنّ علیاً مولاہ و هو هذا؛

هان! هر که من مولای او هستم این علی مولای اوست.

آن گاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دست حضرت علی علیه السلام را گرفت و آن را با دست خود بالا برد تا جایی که زیر بغل هر دو نمایان شد. سپس فرمود:

اللهم وال من والاه، و عاد من عاداه.

ألا وائی فرطکم وأنتم واردون علی الحوض غدأ، و هو حوض عرضه ما بین بصری وصنعاء، فیه أقذاح من فضة عدد نجوم

مفتی و سید مدم
شیخ حر عاملی رحمه الله در اثبات الهداة می نویسد:

جابر بن حزام، حدیثی را در مورد زنی به نام $raquo\>خوله$ حنفی نقل می کند که امیر مؤمنان علی علیه السلام او را از میان اسرای بنی حنیفه برگرفت.

خوله به هنگام ملاقات با حضرت علی علیه السلام گفت: تو کیستی؟

فرمود: من علی بن ابی طالب هستم.

آن دختر گفت: شاید تو همان مردی هستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را در غدیر خم و در صبح روز جمعه به عنوان مهتر و سرور مردم انتخاب کرد؟!

فرمود: بله، من همان هستم.

خوله گفت: ما به خاطر تو خشمگین شدیم و به خاطر تو به ما حمله کردند؛ زیرا مردانمان گفتند: ما صدقات اموال و فرمانبرداری خود را تنها در اختیار کسی می گذاریم که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را به عنوان مهتر ما و شما برگزید. (12)

علیه السلام همانند هان
شیخ حر عاملی رحمه الله در این باره حدیث دیگری را نقل می کند. انس می گوید:

روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر فراز منبر رفت، دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود:

أَللّهُمَّ إِنَّ هَذَا مَنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، أَيُّهَا النَّاسُ! أَلَسْتُ أُولَى بَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ؟

خدایا! این مرد برای من همانند هارون برای موسی است با این تفاوت که پس از من هیچ پیامبری نخواهد آمد. ای مردم! آیامن از شما به خودتان سزاوارتر نیستم؟

گفتند: بله هستید.

فرمود:

من كنت مولاة فعلی مولاة، ومن كنت ولیّ فعلی ولیّ؛ (13)

هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست و هر کس من ولیّ او هستم، علی ولیّ اوست.

آخرین روایت را در این زمینه از شیخ ابوجعفر طوسی رحمه الله نقل می کنیم. وی می گوید:

مفید، از علی بن احمد قلانسی، از عبدالله بن محمد، از عبدالرحمان بن صالح، از موسی بن عمران، از ابواسحاق سبیعی، از زید بن ارقم نقل می کند. زید می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که در غدیر خم می فرمود:

صدقه برای من و اهل بیتم، حلال نیست. خدا لعنت کند هر کسی که خود را به غیر پدرش، وایندد. خدا لعنت کند کسی را که سرپرستی غیر والیان امر را بپذیرد. فرزند از آن صاحب بستر است و زناکار باید سنگسار شود و برای وارث بیش از آن چه وصیت شده است؛ سهمی نیست.

آگاه باشید که شما سخنانم را شنیدید و مرا دیدید. هان! هر کس به عمد بر من دروغ بندد در واقع جایگاه خود را در دوزخ، مستحکم کرده است.

حضرتش در ادامه افزود:

أَلَا وَإِنِّي فَرَطُ لَكُمْ عَلَى الْحَوْضِ وَ مَكَائِرُ بَكْمِ الْأُمَمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَلَاتَسُودُوا وَجْهِي. أَلَا لَأَسْتَنْقِذَنَّ رِجَالًا مِنَ النَّارِ وَ لِيَسْتَنْقِذَنَّ مِنْ يَدِي أَقْوَام. إِنَّ اللَّهَ مُوَلَّى وَ أَنَا مُوَلَّى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ، أَلَا فَمَنْ كُنْتُ مُوَلَاةً فَهَذَا عَلِيٌّ مُوَلَاةً. (14)

آگاه باشید که من پیشاپیش شما بر حوض وارد می شوم و در روز قیامت به دلیل فراوانی شما، بر امت های دیگر به خود می بالم؛ پس مرا رو سیاه نکنید.

هان که من افرادی را از آتش دوزخ می رهانم و اقوامی چند به واسطه ی من نجات می یابند. خداوند مولای من و مولای همه ی مردان و زنان مؤمن است. آگاه باشید! هر که من مولای او هستم، این علی مولای اوست.

پی&zwjz&zwjzنوشت&zwjz&zwjzها:

1- قرب الإنسان: 27 و به نقل از آن بحارالأنوار: 118 / 37.

2- تفسیر العیاشی: 329 / 1 و به نقل از آن بحارالأنوار: 138 / 37.

3- سوره ی مائده: آیه ی 67.

4- تفسیر العیاشی: 332 / 1 و به نقل از آن: بحارالأنوار: 140 / 37.

5- سوره ی مائده: آیه ی 67.

6- تفسیر العیاشی: 332 / 1 و به نقل از آن بحارالأنوار: 140 / 37.

7- سوره ی مائده: آیه ی 67.

8- سوره ی مائده، آیه ی 67.

9- تفسیر العیاشی: 333 / 1 و به نقل از آن بحارالأنوار: 141 / 37.

10- رجال الکشی: 63.

11- الخصال: 34 و 35.

12- إثبات الهداة: 42 / 2.

13- همان: 44 / 2.

14- الأُمّالِه،، شیخ طهسي: 227 و به نقل از آن، بحار الانوار: 37/ 123. منبع مقاله: حسینی میلانی، علی؛ (1390)، غدیر به روایت اهل بیت (علیهم السلام): نگاهی کوتاه به حدیث غدیر در منابع شیعی، قم: الحقایق، چاپ سوم. نویسنده: آیت الله سید علی حسینی میلانی

رسول خدا صلی الله علیه و آله برای حجّ از مدینه بیرون رفت و پنج هزار نفر با او همراه شدند. آن حضرت در حالی از مکه بازگشت که پنج هزار نفر از مردم مکه در مشایعت وی بودند.

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به منطقه جحفه رسید، جبرئیل برای اعلام ولایت علی علیه السلام نازل شد. آیه ی ولایت علی علیه السلام در منا نیز نازل شده بود، اما رسول خدا صلی الله علیه و آله به جهت شناخت مردم، از بیان آن خودداری کرد. در این هنگام جبرئیل عرض کرد:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) (5)

ای پیامبر! آن چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است، به طور کامل (به مردم) برسان و اگر انجام ندهی رسالت او را انجام نداده ای و خدا تو را از (خطرهای) مردم حفظ می کند.

یعنی تو را از آن چه در منا خوش نداشتی، نگاه خواهد داشت.

بنابراین رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور داد مردم توقف کنند و مردم خس و خاشاک ها را جارو کردند... (6)

عیاشی رحمه الله سومین روایت در زمینه غدیر را این گونه نقل می کند:

زیاد بن منذر می گوید: در خدمت امام محمد باقر علیه السلام بودم. ایشان برای مردم حدیث می گفت. در این هنگام مردی از مردم بصره به نام عثمان اعشی - که از قول حسن بصری حدیث نقل می کرد- به حضور امام علیه السلام آمد و گفت: ای فرزند رسول خدا! فدایت شوم، حسن بصری حدیثی را برای ما روایت می کند که طبق آن، آیه ی (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)؛ (7) در مورد یکی از اصحاب نازل شده است، اما نام آن صحابی را برای ما نقل نمی کند.

تفسیر آیه ی مذکور این است که آیا از مردم می ترسی؟ نگران نباش که خداوند تو را از شرّ آنان در امان می دارد.

امام محمد باقر علیه السلام فرمود: حسن بصری را چه شده است؟! خداوند دینش را ادا نکند (یعنی نمازش را نپذیرد!) آگاه باش که اگر می خواست، نام آن صحابی را نقل می کرد. جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد... و گفت:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَأْمُرُكَ أَنْ تَدُلَّ أُمَّتَكَ مِنْ وَلِيِّهِمْ، عَلَى مِثْلِ مَا دَلَلْتَهُمْ عَلَيْهِ فِي صَلَاتِهِمْ وَزَكَاتِهِمْ وَصِيَامِهِمْ وَحَجِّهِمْ؛ خدای متعال به تو فرمان می دهد که ولی اُمت را به آن ها معرفی کنی؛

همان گونه که نماز، زکات، روزه و حجّ را برای آنان تبیین نمودی.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پروردگارا! اُمت من هنوز از بند جاهلیت رهایی نیافته اند.

در این هنگام خداوند این آیه را نازل فرمود:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)؛ (8)

ای پیامبر! آن چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده است، به طور کامل (به مردم) برسان و اگر انجام ندهی رسالت او را انجام نداده ای و خدا تو را از (خطرهای) مردم حفظ می کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاست و دست علی بن ابی طالب علیهما السلام را گرفت، آن را بالا برد و فرمود:

من کنت مولاه فعلی مولاه... (9)

هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست...

السماء.

ألا وإنّی سائلکم غداً ماذا صنعتُم فیما أشهدتُ الله به علیکم فی یومکم هذا إذ وردتم علیّ حوضی؟ و ماذا صنعتُم بالثقلین من بعدی؟ فانظروا کیف خلّفتُمونی فیهما حین تلقونی؟

خدا! دوستداران او را دوست و دشمنانش را دشمن بدار.

آگاه باشید که من پیشاپیش شما هستم و فردای قیامت در حوض، بر من وارد خواهید شد؛ عرض این حوض به اندازه ی فاصله ی بصری تا صنعاء است و تعداد فراوانی جام های نقره به اندازه ی ستارگان آسمان در آن وجود دارد.

هان که من امروز در یک امر مهم، خدا را بر شما گواه می گیرم و آگاه باشید که فردای قیامت پس از ورود به حوض من از شما خواهم پرسید: با چیزی که در مورد آن، خدا را بر شما گواه گرفتم، چه کردید؟ و پس از من با دو چیز گران بها چگونه رفتار کردید؟ پس بنگرید که به هنگام ملاقات من، چگونه این دو چیز گران بها را پاس داشته اید؟

گفتند: ای رسول خدا! این دو ثقل چیست؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

أما الثقل الاکبر فکتاب الله عزو جل، سبب ممدود من الله ومنّی فی أیدیکم، طرفه بید الله، والطرف الآخر بأیدیکم، فیه علم ما مضی و ما بقی إلى أن تقوم الساعة.

وَأما الثقل الأصغر فهو حلیف القرآن و هو علی بن ابی طالب و عترته. و إنّهما لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض؛

ثقل بزرگ تر کتاب خداست که هم چون طنابی از سوی خدا و من، کشیده شده و در دستان شما قرار گرفته است؛ یک طرف این طناب در دست خدا و طرف دیگر آن در دستان شما قرار دارد و علم گذشته و آینده تا هنگامه ی قیامت، در آن

است.

ثقل کوچک تر که هم پیمان قرآن محسوب می شود، علی بن ابی طالب و عترت اوست و این دو ثقل از هم جدا نخواهند شد تا آن که در حوض بر من وارد شوند.
معروف بن خربوذ می گوید: این حدیث را بر امام محمد باقر علیه السلام عرضه کردم.
آن حضرت فرمود: ابوطفیل راست گفته است. ما این حدیث را در کتاب حضرت علی علیه السلام یافته و با آن آشنایی داریم.(11)